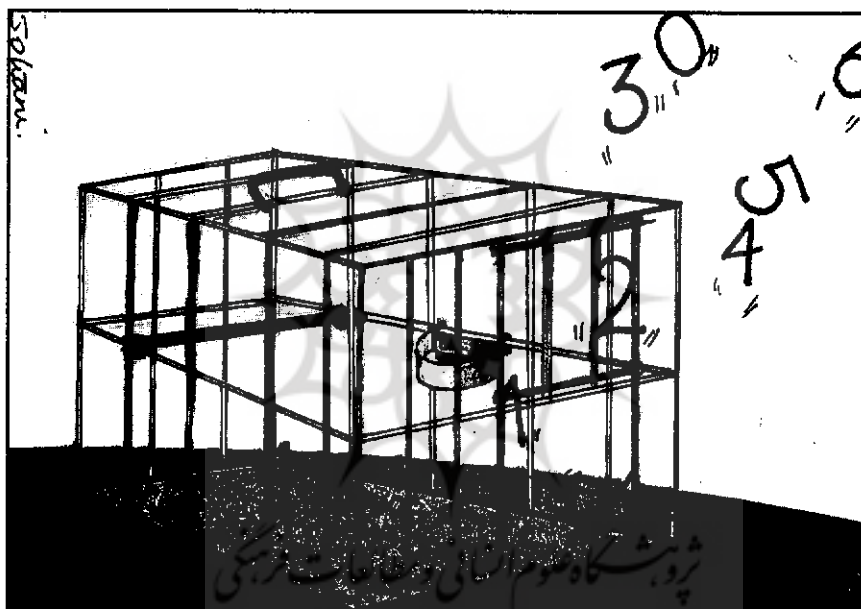


# آزادسازی قیمت‌ها و انتظارات عقلایی

(تجربه‌های اقتصادی ایران در دهه ۱۳۷۰)

دکتر غلامحسین عبیری



▲ دولت، سیاست آزادسازی قیمت‌ها را دنبال می‌کند، اما آزادسازی در دیگر حوزه‌ها را هم نباید فراموش کرد.

## مقدمه

طی ربع قرن اخیر، تحولات گسترده‌ای در نحوه مدیریت منابع اقتصادی روی داده است. پدیده نظم نوین جهانی به عنوان یک واقعیت اقتصادی، الگوهای اقتصاد ملی کشورها را با پرسش روبرو نموده و تکاپو برای هماهنگی با سیاست‌های بین‌المللی روزبه‌روز گسترده‌تر شده و نقش صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی (World Bank) در عرصه مدیریت تشکیل سرمایه (Capital Formation) و تخصیص اعتبارات، به شدت افزایش یافته است. اهداف این سازمان‌ها به منظور غلبه بر پدیده توسعه نیافتگی، طیف گسترده‌ای از کشورهای

در حال توسعه و جهان سوم را شامل شده است. جهانی‌سازی اقتصاد، پدیده خصوصی‌سازی و عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) را در دستور کار تمامی کشورهای عضو این صندوق و بانک قرار داده است. استقبال گسترده کشورهای صنعتی از این روند، به سرعت مسایل جدیدی را پیش روی مدیریت اقتصادی قرار داده و پدیده فن‌آوری اطلاعات (IT) و کاهش شدید هزینه حمل و نقل خدمات، زمینه ادغام شرکت‌های فراملیتی (MNCs) و از سوی دیگر، کوچک شدن کمپانی‌های بزرگ<sup>(۱)</sup> را به دنبال داشته و عرصه تخصیص منابع را در هم آمیخته است، به طوری که خودروی سواری سال ۲۰۰۳ از دانش فنی بیش از ده ملیت مختلف - با

توجه به مزیت رقابتی هر ساختار - بهره‌مند شده است. این فرآیند، تحولی عمیق را در کشورهای ایران در حال توسعه پایه‌گذاری کرد و برای نمونه، اقتصاد ایران را در گذار از یک اقتصاد مبتنی بر برنامه در مسیر اقتصاد مبتنی بر بازار کاملاً دگرگون ساخت. آزادسازی قیمت‌ها و یکسان‌سازی نرخ ارز اگرچه به صورت تدریجی انجام گرفت، ولیکن طی چند سال گذشته چهره اقتصاد ایران را به طور کامل متحول کرد. هدف از این بررسی اجمالی، شناخت بهتر روندی است که اکنون دنبال می‌شود و جستجوی پرسش‌هایی در این زمینه که این اقتصاد ما را به کجا هدایت خواهد کرد؟

## ورود به بازار

عصویت در سازمان جهانی تجارت و بهره‌گیری از مزایای اقتصاد بین‌الملل، همه کشورها را ترغیب نمود که برای ورود به این سازمان، آمادگی‌های لازم را در خود فراهم آورند. آزادسازی قیمت‌ها و تن دادن به تورم‌های دو و سه رقمی به تدریج طی دو دهه گذشته، چهره ساختار اقتصادی را متحول ساخت. اگرچه تبعات پیروی از این سیاست‌ها در حوزه مسایل اجتماعی، بحران‌هایی بود که به دنبال آمد، اما به تدریج، میزان رقابت‌پذیری کشورها بیشتر شد و تکاپو برای سازندگی هم به شدت افزایش یافت.

اقتصاد ایران نیز در این راستا سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و آزادسازی قیمت‌ها را با قدری تأمل - که ناشی از شرایط خاص سیاسی کشور بود - دنبال کرد. نارضایتی از جهاتی افزایش یافت، الگوی مصرف مردم به شدت تغییر کرد، بیکاری افزایش یافت، تورم، فقر را تشدید نمود و اقشار آسیب‌پذیر را با بحران مالی روبه‌رو ساخت.

بدین ترتیب، بازارهای ناقص و انحصاری کشور به یکباره خود را در معرض خصوصی‌سازی و رقابت با کشورهای ترکیه، چین و کره جنوبی یافتند. این فرآیند به تدریج شرایط را حادثتر و اقتصاد کشور را برای ورود به سازمان جهانی تجارت آماده‌تر ساخت. دغدغه‌های مسوولان در برابر «آزادسازی» کماکان لاینحل باقی ماند. برخی، اقتصاد ایران را دولتی و بخشی دیگر آن را متکی به بخش خصوصی می‌دانستند و به زبان سیاسی، اصطلاحاً اقتصاد ایران را «بیمار» می‌دیدند، در حالی که اقتصاد ایران بیمار نبود، بلکه از حالت تعادل خارج شده بود. قدرت در ساختار سیاسی و اقتصادی به صورت یکنواخت و در یک محدوده مشخص متمرکز نگردید و لذا انتقال از برنامه متمرکز به بازار، با موانع زیر روبرو بود:

اول آن که، سبک اقتصاد بازار (Market Economy) مورد نظر مشخص نشده و یا در حال شکل‌گیری است. انتظار معقول این است که در انتخاب سبک، تمامی مسایل و نقاط قوت و ضعف دیده شوند.

دوم، ترتیب اصلاحات چندان مشخص نیست و توجیه کافی برای انتخاب بازارهای مادر (سرمایه، کار و پول) در ادبیات معاصر اقتصادی مدون نشده است. سوم، سرعت اصلاحات (Reform) با توجه به توزیع نامطلوب ثروت و شرایط خاص سیاسی - اجتماعی، تبعات نامناسب و نقاط قوتی را پدید آورده که در مطالعات آماری به آن می‌پردازیم.

## بهره‌وری نیروی کار

از مقایسه تطبیقی آمار مربوط به تورم و

بهره‌وری نیروی کار کشورهای صنعتی، می‌توان دریافت که روند تورم طی سال‌های ۸۳-۱۹۵۰، بهره‌وری نیروی کار را در کشورهای آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه و ایتالیا کاهش داده و در بریتانیا نسبتاً ثابت مانده است<sup>(۲)</sup>. با قدری احتیاط می‌توان ادعا کرد که روند تورم در ساختار اقتصاد ایران نیز بهره‌وری نیروی کار را کاهش داده است. با توجه به این مساله که استفاده بهینه از ظرفیت در اقتصاد کشورهای صنعتی در مقابل عدم استفاده مناسب از ظرفیت‌های بالقوه در اقتصاد کشورهای در حال توسعه مانند ایران، موضوع مهمی به شمار می‌رود، ادعا می‌شود که طی سال‌های ۸۰-۱۳۶۵، بهره‌وری ملی تقریباً ثابت بوده است. با وجود این، انتظار کاهش بهره‌وری نیروی کار در ساختار اقتصاد ایران در دهه آتی موضوع مهمی است که بازار نیروی کار را تحت تأثیر قرار داده و ورود ما را به بازارهای جهانی با دشواری روبرو خواهد ساخت، لذا در نظر گرفتن برخی تمهیدات به منظور

○ مقایسه آمارها نشان می‌دهد که هرگاه دولتمردان می‌خواهند شرایط اقتصادی را بهتر جلوه دهند، از آمارهای اسمی استفاده می‌کنند و در مواردی که می‌خواهند موضوع انتقادی داشته باشند، به ارقام ثابت و حقیقی روی می‌آورند.

مقابله با این بحران کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. توجه به تغییرات سیکل‌های تجاری در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی نیز به تدریج در ادبیات اقتصاد معاصر جای خود را باز خواهد کرد و این نقطه مثبتی برای دستیابی به تعادل عمومی (General Equilibrium) خواهد بود. بدون تردید، ورود به بازار یا کاهش مداخله دولت، عملاً به معنی کاهش مداخله در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم است.

## تولید انبوه مقررات

تجربه ایالات متحده نشان داده است که بیشتر مباحث عمومی در زمینه (Food Drug Administration) FDA و سایر سازمان‌های عمومی در معرض انتقاد آشکاری قرار دارد و حاکی از آن است که تصمیمات اتخاذ شده عقلایی نبوده‌اند<sup>(۳)</sup>. این در واقع، آثار جانبی وضع هزاران مجموعه مقررات در جهت منافع گروه‌ها و سازمان‌ها بوده، بدون آن که فرآیند تولید انبوه مقررات قابل پیش‌بینی باشد. این پدیده در کشورهای در حال توسعه معضل دیگری را به وجود آورده است و آن هم تصمیماتی است که از

پشتوانه آماری مناسب نیز برخوردار نیستند. شایان ذکر است که مقررات و قوانین نیز در نهایت از ساز و کارهای اقتصادی تبعیت می‌کنند، به این معنی که هرگاه حجم مقررات و آیین‌نامه‌ها از میزان تقاضا فزونی یابد، آنگاه ارزش و آثار جانبی آنها نه تنها مطلوبیت کل را افزایش نمی‌دهد، بلکه آثار نامطلوبی را هم بر ساختارهای اجتماعی - سیاسی تحمیل می‌کند.

تجربه ایران در این زمینه از جهات مختلف قابل مطالعه و استثنایی است. تاریخ پنجاه سال اخیر ایران در بزرگ‌ترین کودتا در حوزه انتقال قدرت، انقلاب سفید در حوزه تغییر ساختار اجتماعی، انقلاب سبز در حوزه بخش کشاورزی، تحولات قیمت نفت در بازار انرژی، انقلاب اسلامی در حوزه تحولات بنیادی، و پدیده جنگ تحمیلی در جهت ایجاد رکود و تزیق سرمایه‌های بین‌المللی در جهت سازندگی، در مجموع، تمامی تحولات دهه‌های مختلف بعد از جنگ جهانی دوم را تحت‌الشعاع قرار داده و در شرایط طبیعی، امکان واکنش عادی مردم در برابر تعامل‌های سیاسی - اقتصادی - فرهنگی را تضعیف کرده است. بدیهی است که با این پیشینه سنگین و پیچیده روانی، و با توجه به انفجار جمعیت، داشتن انتظارات عقلایی از رفتارها چندان ساده نخواهد بود، به ویژه آن که تورم دو رقمی خانمانسوز و تحمیلی نیز خود به تنهایی قابلیت به هم ریختن نظم جامعه را دارا می‌باشد.

از سوی دیگر، وضع قوانین دست و پاگیر، نهایتاً پایه‌های اعتماد مردم را نسبت به دولت تضعیف نموده است. این مساله، زمینه پذیرش نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد را تقویت می‌کند. امروز از چهار دغدغه اصلی دولت، حداقل سه مورد آن به طور مستقیم در حوزه اقتصاد قرار دارد<sup>(۴)</sup>. یعنی اگر امنیت، سالم‌سازی اقتصاد، قوی‌سازی اقتصاد و مدرن کردن اقتصاد را چهار هدف اساسی دولت به شمار آوریم، تمامی این موارد در سایه «آزادسازی» قابل حصول می‌باشند. آزادسازی نیز می‌تواند با مقررات‌زدایی، مدیریت غیرمتمرکز، حاکمیت بازارها و تقویت بخش خصوصی بر عوامل نگران‌کننده فایق آید.

یکسان‌سازی نرخ ارز هم در واقع، به شفاف کردن اقتصاد کمک می‌کند، اما نباید با ابزارهای سیاسی قیمت آن را ثابت نگهداریم، بلکه توصیه بر شناور نمودن نرخ ارز است. مقررات انبوه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست و محصولات مصرفی روزبه‌روز بیشتر و بیشتر شده، به طوری که تمامی فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی را با تأخیر روبرو ساخته است. انتظار این است که این «ماشین تولید مقررات دولتی» خود در جهت مقررات‌زدایی پیشقدم شود.

### تجربه قیمت‌های جاری

بررسی‌های آماری سه متغیر کلان حساب‌های ملی، یعنی درآمد ملی، مصرف سرمایه ثابت و هزینه مصرف نهایی خصوصی طی دوره مورد مطالعه (۱۳۷۰-۷۹) نشان می‌دهد که درآمد ملی از ۴۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰، به ۵۶۱ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ رسیده است. نرخ رشد متوسط درآمد ملی کشور هم ۲۸/۷ درصد بوده است (۴). طی همین دوره، مصرف سرمایه ثابت از ۵ هزار میلیارد ریال، به ۷۷ هزار میلیارد ریال افزایش یافته و نرخ رشد آن ۳۱/۴ درصد بوده است. هزینه مصرف نهایی خصوصی طی همین دوره، از ۲۹ هزار میلیارد ریال، به ۳۳۹ هزار میلیارد ریال بالغ شده که نشان‌دهنده رشد ۶۰/۷ درصدی است.

نسبت‌های آماری مربوط به مصرف سرمایه ثابت به درآمد ملی در ابتدای دوره ۰/۱۱ و در پایان دوره ۰/۱۴ و میانگین نیز ۰/۱۴ بوده است. نسبت هزینه مصرف نهایی خصوصی به درآمد ملی در ابتدای دوره ۰/۶۴ و در پایان دوره ۰/۶۰ محاسبه شده و میانگین طی دوره ۰/۶۷ است. این محاسبات براساس جدول رسمی آماری مرکز آمار ایران (۱۳۸۰) استخراج شده که شرح آن را در جدول شماره یک ملاحظه می‌نمایید.

پیش روی کشورهایی مانند عراق، پاکستان، کره شمالی و عربستان از جمله آثار درازمدت عدم تعادل‌های اولیه هستند و به تدریج دامنه بحران گسترده می‌شود و نتایج هم غیرقابل پیش‌بینی است. تجربه کشورهای صنعتی نیز مشابه است، با این تفاوت که متعاقب هر عدم تعادلی، سیاست‌هایی اتخاذ می‌شود تا بازگشت شرایط به تعادل تسهیل گردد. با وجود این، موارد عدیده‌ای از بحران‌ها را می‌توان نام برد که بازگشت به تعادل پویا را دشوار می‌سازند و تنها امتیاز کشورهای صنعتی در این است که در انتقال عدم تعادل به خارج از ساختار اقتصاد ملی، آزادی عمل بیشتری دارند و با نام «حفظ منافع» در جهت دفع بحران گام برمی‌دارند. در اینجاست که منافع احزاب جمهوریخواه آمریکا و کارگر بریتانیا در عراق به یکدیگر گره می‌خورند (۶).

این مشاهدات نشان می‌دهند که در درازمدت

احتمال گاهنشی بهره‌وری نیروی کار در ساختار اقتصاد ایران در دهه آتی، موضوع مهمی است که بازار نیروی کار را تحت تاثیر قرار داده و ورودها را به بازارهای جهانی یا دشواری روبرو خواهد ساخت.

آثار کاهش و افزایش حجم مقررات در حوزه‌های مختلف روند رفتارها را تحت‌الشعاع قرار داده و پرسش اساسی «به کجا می‌رویم؟» را در اذهان زنده ساخته است.

### آثار درازمدت

تغییر ساختار اقتصادی در یک دهه پرتلاطم، همراه با تورم مزمن دو رقمی به طور طبیعی نمی‌تواند با تعادل همراه باشد. این تلاطم می‌تواند ناشی از جهش جمعیتی، آثار جنگ، آزادسازی قیمت‌ها، تورم وارداتی و یا تحریم اقتصادی باشد. آثار این معضلات، تغییر وضعیت تعادل عمومی و عدم دستیابی به ثبات در وضعیت ثانویه می‌باشد.

در واقع، آثار عوامل فوق، وضعیت رفتارهای مصرفی و سرمایه‌گذاری را دگرگون می‌سازد و مشاهدات ساده نمی‌توانند شناخت واقعی را متعکس سازند. در این شرایط، تصمیم‌گیری‌های مدیران برای برنامه ریزی در سه حوزه زیر عدم اطمینان را تجربه می‌کنند (۵):

الف) عدم اطمینان در حوزه قیمت‌ها و ارزش‌ها.  
ب) عدم اطمینان نسبت به محیط.  
پ) عدم اطمینان در خصوص تصمیم‌گیری‌های وابسته.

پدیده زمان (Time) در واقع، به جای ایجاد هماهنگی و اصلاح تصمیم‌گیری‌ها (Modified Decision) به بحرانی‌تر شدن فضای تصمیم‌گیری کمک می‌کند. این معضل عمدتاً ناشی از فقدان مدیریت اقتصادی و غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارها در مقابل به کارگیری سیاست‌های مالی و پولی توسط دولت می‌باشد. تجربه اقتصاد ایران نیز که در نوع خود قابل بررسی است، نشان می‌دهد که ارتشاء فرار سرمایه و مهاجرت سرمایه‌های انسانی محصول عدم موفقیت دولت در ایجاد تعادل عمومی می‌باشند و حجم این معضلات تا حدی فزونی یافته که پیچیده‌ترین بررسی‌های علمی هم قادر به حل آنها نمی‌باشند. این نابسامانی به علت تداخل مشکلات اقتصادی در مسایل اجتماعی و معضلات اجتماعی در مسایل فرهنگی است و این مدار بلاانقطاع ادامه دارد. از آنجایی که بررسی‌های علمی بر ضرورت اصلاحات (Reform) تاکید می‌ورزند و حوزه مشخصی را نمی‌توان به عنوان محور اصلی «آزادسازی» انتخاب نمود، لذا تعارض در میان گروه‌های مختلف سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است. این معضل در حوزه ارتباطات بین‌المللی و سیاست‌های برون مرزی، میزان تعارض و آثار سوء سیاست‌گذاری را به شدت افزایش می‌دهد. بحران‌های

جدول شماره یک

روند آمار حساب‌های ملی - به قیمت جاری (۷۹-۱۳۷۰)

نماد	متغیرهای کلان		میانگین		
	تراخ رشد	حد اکثر	از حداقل طی	انحراف از	
	متوسط	طی دوره	دوره	معیار	
Y	۰/۲۸۷	۵۶۱۰۰۰	۴۵۰۰۰	۱۵۹۰۰۰	۲۲۶۰۰۰
Ic	۰/۳۱۴	۷۷۰۰۰	۵۰۰۰	۲۳۰۰۰	۳۳۰۰۰
Cp	۰/۰۲۴	۰/۱۴	۰/۱۱		۰/۱۴
	۰/۶۰۷	۳۳۹۰۰۰	۲۹۰۰۰	۱۰۲۰۰۰	۱۵۱۰۰۰
	(-۰/۰۰۶)	۰/۶۰	۰/۶۴		۰/۶۷

ماخذ: مرکز آمار ایران / سالنامه آماری کشور / ۱۳۸۰ / صفحات ۷۳۹ تا ۷۵۲.

طبیعت نرخ‌های رشد ۲۸/۷ درصد، ۳۱/۴ درصد و یا ۶۰/۷ درصد مبین این حقیقت است که ما با ارقام واقعی روبرو نیستیم و این اعداد با توجه به سطح تورم و توهم‌های پولی افزایش یافته‌اند. اگر این ارقام حقیقی بودند، آنگاه می‌توانستیم نتیجه بگیریم که هزینه مصرف نهایی خصوصی طی دوره افزایش یافته، اما نسبت آن به درآمد ملی کاهش یافته است. نتایج رگرسیون ساده آماری نشان می‌دهد که بین درآمد ملی (Y) و مصرف سرمایه ثابت (Ic)

پدیده ساختارها کاملاً دگرگون می‌شود و نوع سیاست‌گذاری و تجربه‌های گذشته نمی‌توانند به حل مسایل کمک نمایند، لذا روی آوردن به دکترین جدید اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

تجربه‌های آماری زیر اگرچه محدود به چند متغیر کلان اقتصادی می‌باشند، اما در عین حال، نشان می‌دهند که بین آنچه به صورت اسمی (قیمت‌های جاری) و حقیقی (قیمت‌های ثابت) مشاهده می‌کنیم، تفاوت در خور توجهی وجود دارد.

(میلیارد ریال)

متغیرهای کلان	میانگین	انحراف از معیار	از حداقل طی دوره	حداکثر طی دوره	نرخ رشد متوسط	نماد
درآمد ملی	۲۶۲۰۰۰	۳۲۰۰۰	۲۱۵۰۰۰	۳۲۷۰۰۰	۰/۰۴۵۹	Y*
مصرف سرمایه ثابت	۲۳۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۵۰۰۰	۴۲۰۰۰	۰/۱۱۱	Ic*
نسبت مصرف سرمایه ثابت به درآمد ملی	۰/۱۲		۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۰۵۵	
هزینه مصرف نهایی خصوصی	۱۸۴۰۰۰	۴۲۰۰۰	۱۲۹۰۰۰	۲۸۶۰۰۰	۰/۰۸۲۸	Cp*
نسبت هزینه مصرف نهایی خصوصی به درآمد ملی	۰/۷۰		۰/۶۰	۰/۸۵	۰/۰۲۵	

مصرف نهایی خصوصی نسبت به درآمد ملی با نرخ رشد ۳/۵ درصد (قیمت‌های ثابت) رو به افزایش است، در حالی که به قیمت‌های جاری این نسبت با نرخ منفی ۰/۶ درصد کاهش می‌یابد و نسبت مصرف سرمایه ثابت به درآمد ملی در قیمت‌های ثابت، نرخ رشد ۵/۵ درصد را داراست، در حالی که به قیمت‌های جاری، رشد ۲/۴ درصد را داشته است.

آنچه مسلم است، مردم در تصمیم‌گیری‌های روزمره خود با قیمت‌های جاری روبه‌رو هستند و توان تجزیه و تحلیل واقعی از آنان سلب شده و این پدیده باعث شده است که دولت کماکان سیاست آزادسازی قیمت‌ها را دنبال کند، در حالی که سیاست «آزادسازی در سایر حوزه‌ها» در دستور قرار نگرفته است.

طبیعی است که اگر این مطالعه را به سایر متغیرهای کلان نیز تعمیم دهیم، تضادهای قابل توجهی از روندها به دست می‌آید. دوره مورد مطالعه هم مخصوصاً درازمدت اختیار شده تا نشان دهد که ساختارها در درازمدت محکوم به تغییر هستند.

این جداول نشان می‌دهند که آزادسازی قیمت‌ها و مقررات‌زدایی در طول یک دوره درازمدت، آثار خود را بر ساختار اقتصادی نشان داده است، اما هنوز مشخص نیست که این فرآیند به کجا ختم خواهد شد و تعادل به ساختار اقتصادی باز خواهد گشت یا خیر؟

آنچه مسلم است، عدم توجه به بحران‌های اقتصادی، در درازمدت، مشکل‌ساز خواهد بود و زمانی فرا خواهد رسید که دیگر تصویر اجتماعی جامعه با آنچه در گذشته با آن روبه‌رو بوده‌ایم، تفاوت زیادی کرده است.

### منابع

- 1) Want, J.H /1995/ Managing Radical Change.
- 2) Parker, J.G/1990/ The Essence of the Economy/ Prentice Hall.
- 3) Fischer, Stanly, Dornbush, R.,.../1988/Economics/Ch.13.
- ۴) لاریجانی... / ۱۳۷۷ / جلسات طرح ساماندهی اقتصاد / گزارش داخلی.
- 5) Friend, J.& Hickling, A/ 1996 / Planning Under Pressure.
- ۶) اخبار سیاسی و واکنش رهبران ایالات متحده و بریتانیا نسبت به بحران «خلع سلاح» و موضوع تسلیحات کشتار جمعی عراق.
- ۷) مرکز آمار ایران / ۱۳۸۰ / سالنامه آماری کشور / سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور / صفحات ۷۵۲-۷۳۹.

نتایج رگرسیون آماری  $Ic^*$  بر  $Y^*$  رابطه مثبت را تایید می‌کند، اما ضریب همبستگی ( $r$ ) به  $۰/۶۸$  (در قیمت‌های جاری) کاهش یافته است. همچنین، نتایج رگرسیون  $Cp^*$  بر  $Y^*$  نیز نشان می‌دهد که رابطه

تنها امتیاز کشورهای صنعتی در این است که می‌توانند عدم تعادل را به خارج از ساختار اقتصادی منتقل کنند و یا نام «حفظ صنایع ملی» در جهت رفع بحران‌ها گام بردارند.

مثبت است، اما ضریب همبستگی به شدت کاهش یافته و به  $۰/۵۹$  رسیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌نمایید، شیب خط رگرسیون  $Cp^*$  بیشتر از  $Ic^*$  می‌باشد. نتایج رگرسیون آماری به صورت زیر است:

$$Ic^* = -۱۸۰۰۰ + ۰/۱۹۸۷ Y^* \quad r = ۰/۶۸$$

$$Cp^* = -۱۶۰۰۰ + ۰/۷۶۳۷ Y^* \quad r = ۰/۵۹$$

نرخ‌های متوسط رشد در جدول شماره دو نشان می‌دهند که به قیمت ثابت رشد‌ها محقول‌تر و منطقی‌تر است. نتایج رگرسیون در حالت دوم نشان می‌دهد که عرض از مبدأ منفی، اما رابطه مثبت همچنان برقرار است. منابع آماری هر دو از آمار رسمی منتشره مرکز آمار ایران استخراج شده و اعتبار لازم را دارا می‌باشند.

### نتایج

مقایسه آمارهای رسمی منتشره نشان می‌دهد که هر گاه دولتمردان می‌خواهند شرایط اقتصادی را بهتر تصویر نمایند، از آمارهای اسمی استفاده می‌کنند و در مواردی که می‌خواهند انتقاد از دولت را افزایش دهند، به ارقام ثابت و حقیقی روی می‌آورند. اما واقعیت این است که سهم هزینه‌های

رابطه‌ای مثبت با همبستگی ۹۹ درصد قابل رویت است. نتایج رگرسیون درآمد ملی و هزینه مصرف نهایی خصوصی ( $Cp$ ) نیز نشان می‌دهد که رابطه مثبت و ضریب همبستگی ( $r$ ) معادل ۹۹ درصد است. نتایج این رگرسیون‌ها به ترتیب به صورت زیر می‌باشند:

$$Ic = ۸۶۷۰۰ + ۰/۱۴۴۷ Y \quad r = ۰/۹۹ (۱)$$

$$Cp = ۷۰۰۰۰ + ۰/۶۳۸۷ Y \quad r = ۰/۹۹ (۲)$$

از مقایسه این دو خط ملاحظه می‌کنید که شیب خط معادله (۲) بیشتر از معادله (۱) و عرض از مبدأ هر دو خط مثبت است.

### تجربه قیمت‌های ثابت

متغیرهای جدول شماره یک به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶، در جدول شماره دو به صورت حقیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، نرخ رشد درآمد ملی طی دوره  $۴/۵۹$  درصد در مقایسه با  $۲۸/۷$  درصد نرخ رشد با قیمت جاری، نرخ رشد بسیار ناچیزی است. متشابهاً نرخ رشد مصرف سرمایه ثابت به قیمت‌های ثابت طی دوره مورد مطالعه (۷۹-۱۳۷۰) تنها  $۱/۱$  درصد است. این نرخ رشد برای هزینه مصرف نهایی خصوصی  $۸/۲۷$  درصد محاسبه شده است.

نسبت مصرف سرمایه ثابت  $Ic^*$  به درآمد ملی ( $Y^*$ ) در ابتدای دوره  $۰/۰۷$  بوده و در پایان دوره به  $۰/۱۲$  افزایش یافته است. میزان این افزایش نسبت به قیمت‌های جاری به مراتب بیشتر می‌باشد. همچنین، نسبت هزینه مصرف نهایی خصوصی ( $Cp^*$ ) به درآمد ملی در سال ۱۳۷۰ در ابتدای دوره مورد مطالعه  $۰/۶۰$  و در پایان دوره  $۰/۸۵$  می‌باشد، این در حالی است که در قیمت‌های جاری این نسبت طی دوره کاهش نشان می‌داد.